

تحلیل فضایی نابرابری‌های جنسیتی
و شاخص‌های مربوط به آن در کشورهای خاورمیانه
تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۴/۳۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۸۸/۸/۳

دکتر علی زنگی آبادی* (عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان)
دکتر میرنجف موسوی (استادیار دانشگاه ارومیه)

چکیده

در پی ناکارآمدی الگوی رشد اقتصادی در تبیین توسعه برای اولین بار در سال ۱۹۹۰ توسط سازمان برنامه ریزی توسعه سازمان ملل، مفهوم توسعه انسانی با استفاده از سه شاخص اساسی کسب دانش، دسترسی به امکانات مادی لازم برای یک زندگی بهتر و برخورداری از طول عمر توأم با سلامتی مورد سنجش قرار گرفت. در نوشته حاضر سعی می‌شود شاخص‌های توسعه انسانی، فقر انسانی در کشورهای خاورمیانه مورد بررسی قرار گیرد و اثرات آنها بر نابرابری جنسیتی ارزیابی گردد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است. بر اساس نتایج حاصل از محاسبه شاخص توسعه انسانی، ۴ کشور در سطح توسعه انسانی بالا، ۱۴ کشور در سطح توسعه انسانی متوسط و دوکشور عراق و یمن در سطح توسعه انسانی پایین قرار دارند. بررسی رابطه شاخص‌های توسعه انسانی با نابرابری جنسیتی نمایانگر وجود یک رابطه غیر خطی بین شاخص‌های توسعه انسانی و موقعیت زنان است. به طوری که با افزایش شاخص‌های توسعه انسانی، نابرابری بین زنان و مردان در کشورهای خاورمیانه کاسته می‌شود. همچنین در کشورهایی که مشارکت و نقش زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی بیشتر است شاخص‌های فقر انسانی کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی

شاخص توسعه انسانی، فقر انسانی، نابرابری جنسیتی، کشورهای خاورمیانه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

عرصه‌ی مطالعات توسعه به صورت محدود در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم پدیدار شد و به سرعت بر مجموعه‌ای از مشکلات اقتصادی کلان، به ویژه ارتباط جهانی، نابرابری بین کشورهای فقیر و غنی متمرکز شد (براهمن، ۱۳۸۱: ۴). در این سالها مفهوم توسعه را مترادف با رشد و در همان معنای صرف اقتصادی به کار می‌بردند (ساعی، ۱۳۷۷: ۱۸) و بالا بردن تولید ناخالص ملی و در آمد سرانه را اهداف توسعه قرار داده بودند و چنین فرض می‌کرده‌اند که رشد اقتصادی برابری بیشتری را به ارمغان خواهد آورد و این برابری موجب نابودی قطعی فقر خواهد شد (نراقی، ۱۳۷۵: ۳۹). اما با تشدید مسایلی همچون فقر، بیکاری و نابرابری، حتی در کشورهای پویایی که دارای رشد اقتصادی بالایی بودند، کاربرد متغیرهای اقتصادی به عنوان تنها عامل مؤثر در سنجش توسعه مورد تردید قرار گرفت (پورمحمدی و زالی، ۱۳۸۳: ۳۸). از دهه ۱۹۷۰ به بعد در مفهوم و معنای توسعه تجدید نظر به عمل آمد. حاصل چنین تحولی طرح مفهوم توسعه‌ی انسانی بود که در چارچوب آن هدف اساسی توسعه مورد توجه قرار گرفت. (از کیا، ۱۳۷۷: ۲۱) بدین صورت نخستین گزارش توسعه‌ی انسانی در سال ۱۹۹۰ توسط سازمانی برنامه‌ریزی توسعه‌ی سازمان ملل انتشار یافت و توسعه‌ی انسانی به عنوان فرآیندی تعریف شد که طی آن امکانات بشر افزایش یابد. به طوری که در این رویکرد سه شاخص اساسی کسب دانش، دسترسی به امکانات مادی لازم برای یک زندگی بهتر و برخورداری از طول عمر توأم با سلامتی برای سنجش توسعه‌ی انسانی مورد توجه قرار گرفت (حیاتی، ۱۳۷۵: ۴۵). مفهوم توسعه‌ی انسانی علاوه بر توجه به جنبه‌ی کمی رشد، تأکید بیشتری به جنبه‌های کیفی دارد. درون مایه اصلی این مفهوم آن است که توسعه باید چیزی بسیار بیشتر از افزایش درآمد و ثروت باشد. در واقع توسعه‌ی انسانی به جایگزین کردن دیدگاه انسان مدار به دیدگاه تولید مدار تأکید دارد. در مفهوم توسعه‌ی انسانی مشارکت زنان در حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و از بین بردن نابرابری‌های جنسیتی-حایز اهمیت است. (فکوهی، ۱۳۷۹: ۱۰۷-۱۰۴) بعد مهم توسعه‌ی انسانی، توسعه‌ی پایدار است یعنی این که حق انتخاب و ضرورت و نیازهای نسل‌های آینده را محترم شمرده حفظ نماید. که البته این کار تنها از طریق افزایش دایم و سریع زنان در عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی، امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین در مقاله‌ی حاضر سعی خواهد شد شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در کشورهای خاورمیانه که علیرغم داشتن منابع عظیم انرژی هنوز در سطح پایینی از توسعه‌ی انسانی قرار دارند مورد بررسی قرار گیرد. سپس باید اثرات توسعه‌ی انسانی بر موقعیت زنان و کاهش نابرابری‌های جنسیتی به طور کامل مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

روش های مورد استفاده در پژوهش

هدف از این مطالعه، ارزیابی شاخص‌های توسعه‌ی و فقر انسانی در کشورهای خاورمیانه و اثرات آنها بر نابرابری‌های جنسیتی است. ابتدا اطلاعات مورد نیاز از اطلاعات رایانه بانک جهانی استخراج شده، آنگاه با بهره‌گیری از مدل‌های GI, GEM, GDI, HPI, HDI محاسبات لازم صورت گرفته است. سپس با بهره‌گیری از نرم افزار رایانه ای SPSS و با استفاده از مدل‌های رگرسیون خطی و غیر خطی اثرات شاخص‌های توسعه و فقر انسانی بر نابرابری جنسیتی ارزیابی شده است.

۱- روش فنی برآورد شاخص‌های منتخب

۱-۱- شاخص توسعه‌ی انسانی (HDI)^۱

بر اساس استانداردهای سازمان ملل متحد، شاخص توسعه‌ی انسانی با استفاده از سه شاخص آموزش^۲، سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی^۳ و امید به زندگی در بدو تولد^۴ اندازه‌گیری می‌شود (UNDP, 2000: 173-209):

(۱) (نرخ ترکیبی ثبت نام ناخالص در کلیه‌ی مقاطع تحصیلی) + (درصد باسوادی بزرگسالان) = شاخص آموزش^۵

در رابطه‌ی ۱، درصد با سوادی به عنوان نسبتی از جمعیت بالغ بالای ۱۵ سال که می‌تواند یک متن ساده را بخواند و بنویسد محاسبه می‌شود که دارای ضریب ۲ می‌باشد و شاخص نرخ ترکیبی ثبت نام ناخالص دارای ضریب ۱ می‌باشد.

$$\text{شاخص تولید ناخالص داخلی} = \frac{(\log y - \log y_{\min})}{(\log y_{\max} - \log y_{\min})} \quad (۲)$$

در رابطه‌ی ۲، y برابر است با درآمد سرانه واقعی هر کشور، y_{\min} ، y_{\max} به ترتیب عبارت اند از حداکثر و حداقل درآمد سرانه‌های زیر استاندارد بین المللی که بین ۴۰۰۰۰ دلار و ۱۰۰ دلار می‌باشد.

(۲) (ارزش حداقل - ارزش حداکثر) / (ارزش حداقل - ارزش واقعی) = شاخص امید به زندگی در رابطه‌ی ۳، شاخص امید به زندگی در بدو تولد است که بین ۲۵ حداقل تا ۸۵ حداکثر قرار دارد.

در نهایت شاخص توسعه‌ی انسانی یک میانگین حسابی ساده از سه شاخص امید به زندگی، شاخص آموزش و شاخص درآمد سرانه است.

۱-۲- شاخص فقر انسانی HPI^۵

شاخص فقر انسانی به وضعیتی گفته می‌شود که مردم به حداقل منابع و امکانات برای زندگی کردن سالم دسترسی نداشته باشند (Acharya, 2004: 198). شاخص فقر انسانی در کشورهای در حال توسعه محرومیت اولیه (طول عمر) به وسیله درصد مردمی توجیه می‌شود (درصد کل از جمعیت) که انتظار نمی‌رود تا سن ۴۰ سالگی زنده بمانند و در واقع تا سن مذکور فوت می‌کنند (P1) و محرومیت از تحصیل از طریق (بی سوادی بزرگسالان و بی سوادی ۱۵ ساله و بیشتر) (P2) و محرومیت از سطح زندگی مناسب (P3) که از ترکیب سه متغیر زیر تعیین می‌گردد:

P31: درصد مردمی که به آب سالم دسترسی ندارند

P32: درصد مردمی که به خدمات بهداشتی دسترسی ندارند

¹ Human Development Index.

² Education Index.

³ Gross Domestic Product Per Capita Index.

⁴ Life Expectancy Index.

⁵ Human Poverty Index.

P33: درصد کودکان کم وزن زیر ۵ سال (کودکانه) که وزن آنها کمتر از سن متعارف وزن آنها می باشد).
 متغیر P3 از طریق میانگین ساده بین P31, P32, P33 به دست می آید:
 بنابراین شاخص فقر انسانی برای کشورهای در حال توسعه (HPI-1) با استفاده از فرمول زیر محاسبه می گردد (UNDP, 1997: 122-125):

$$(HPI - 1) = \left[\frac{1}{3} (P_1^3 + P_2^3 + P_3^3) \right]^{\frac{1}{3}}$$

۲-۱- شاخص توسعه انسانی تعدیل شده بر حسب جنسیت (GDI)^۱
 در محاسبه شاخص توسعه انسانی بر حسب جنسیت (GDI) نیز همان متغیرهای شاخص توسعه انسانی مورد توجه قرار می گیرند با این تفاوت که شاخص توسعه انسانی بر حسب جنسیت، میزان موفقیت کشور در زمینه ارتقای امید به زندگی، دسترسی به آموزش و کسب درآمد بیشتر برای افراد جامعه را با توجه به اختلاف زنان و مردان در برخورداری از آنها نشان می دهد (کریم کشته و زمانیان، ۱۳۸۳: ۴-۳۹).

۴-۱- شاخص ارتقای توانمندی ها بر حسب جنسیت (GEM)^۲
 این شاخص به جای تمرکز بر توانایی های زنان به فرصت های در اختیار زنان می پردازد. این شاخص میانگین وزنی شاخص مشارکت سیاسی و قدرت تصمیم گیری، مشارکت اقتصادی و قدرت تصمیم گیری و قدرت بر منابع اقتصادی است. این شاخص با استفاده از رابطه درصد توزیع مساوی (EDEP)^۳ و با توجه به میانگین وزنی جمعیت محاسبه می شوند.

$$EDEP = \left[\frac{1}{1} - E \right] + \left[\frac{1}{1} - E \right] \text{ (شاخص مردان) (سهم جمعیتی مردان) + (شاخص زنان) (سهم جمعیتی زنان)}$$

E انحراف از نابرابری را نشان می دهد در GDI , GEM , $E=2$ فرض می شود (افشاری و شیبانی، ۱۳۸۲: ۱۴).

۵-۱- شاخص نابرابری جنسی (GI)^۴
 برای محاسبه شاخص نابرابری جنسیتی در هر کشور از رابطه زیر استفاده می شود:

$$GI = \frac{HDI - GDI}{HDI}$$

این شاخص بین صفر و یک در نوسان است. $GI=0$ به این معناست که زنان در مقایسه با مردان، به آموزش، درآمد و امید به زندگی یکسانی دست یافته اند (Sose & etal, 2000, 630-619).

شاخص های توسعه و وضعیت کشور های خاور میانه

۱- شاخص های توسعه انسانی و وضعیت خاورمیانه
 اخیراً برنامه عمران ملل متحد (UNDP)^۵ گزارش سال ۲۰۰۴ توسعه انسانی را منتشر کرد. در این گزارش، ۱۷۷ کشور جهان را بر اساس شاخص توسعه انسانی آنها طبقه بندی کرده و ۵۹ کشور را از نظر نیاز به دریافت کمک در اولویت قرار داده است. طبق نتایج این گزارش،

¹ Gender – Related Development Index.

² Gender Empowerment Measur.

³ Equally Distributed Equivalent Percentage.

⁴ Gender Inequality

⁵ United Nation Development Program.

نروژ رتبه اول را به دست آورد و سیر الئون در ردیف آخر قرار گرفته است. در بین کشورهای خاورمیانه، کشورهای بحرین با (رتبه ۴۰)، کویت با (رتبه ۴۴)، قطر (رتبه ۴۷) و امارات متحده عربی با (رتبه ۴۹) جز کشورهای توسعه یافته دنیا قرار داشته اند (UNDP, 2004). براساس نتایج به دست آمده از گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۴، لیبی (رتبه ۵۸)، عمان (رتبه ۷۴)، عربستان (رتبه ۷۷)، لبنان (رتبه ۸۰)، ترکیه (رتبه ۸۸)، اردن (رتبه ۹۰)، تونس (رتبه ۹۲)، ایران (رتبه ۱۰۱)، فلسطین اشغالی (رتبه ۱۰۲)، سوریه (رتبه ۱۰۶)، الجزایر (رتبه ۱۰۸)، مصر (رتبه ۱۲۰)، مراکش (رتبه ۱۲۵) و سودان (رتبه ۱۳۹) را کسب کرده اند و جز کشورهای با توسعه انسانی متوسط هستند (Ibid).

کشورهای عراق و یمن به ترتیب با رتبه های ۱۴۴ و ۱۴۹ جز کشورهای با توسعه ی انسانی پایین بوده اند (Ibid).



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱: فراوانی کشورها بر حسب سطوح شاخص توسعه ی انسانی در سال ۲۰۰۴ میلادی.

دامنه شاخص	درصد	تعداد	سطوح توسعه انسانی
(۰/۹۵۶-۰/۸)	۳۱/۰۷	۵۵	کشورهای دارای توسعه انسانی بالا
(۰/۷۹۹-۰/۵)	۴۸/۵۸	۸۶	کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط
(۰/۴۹۹-۰/۳۷۳)	۲۰/۳۳	۳۶	کشورهای دارای توسعه انسانی پایین
(۰/۹۵۶-۰/۳۷۳)	۱۰۰	۱۷۷	جمع کل

منبع: برنامه عمران ملل متحد (UNDP)

۲- تحلیل شاخص های توسعه ی انسانی کشورهای خاورمیانه

تحولات سالهای اخیر در فضای اقتصادی و اجتماعی، سیاسی و نظامی منطقه خاورمیانه، باعث تغییرات و تحولات عظیمی در شاخص های توسعه ی گردیده است. منطقه ی خاورمیانه به ویژه حوزه ی خلیج فارس به علت در اختیار داشتن بیش از ۶۰ درصد منابع تولید انرژی (نفت و گاز)، نقش ژئواکونومیک ویژه ای در عرصه جهانی دارد (رحیم پور، ۱۳۸۱: ۴۹). در مقاله ی حاضر ۲۰ کشور خاورمیانه از نظر شاخص های توسعه ی انسانی، فقر انسانی، توسعه ی انسانی بر حسب جنسیت و نابرابری های جنسیتی مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است. بر اساس نتایج تحقیق، از ۲۰ کشور خاورمیانه، چهار کشور بحرین، کویت، قطر و امارات متحده عربی جز کشورهای توسعه یافته شناخته شده اند. جمعیت این کشورها حدود ۶/۶ میلیون نفر که تنها ۱/۵۴ درصد از جمعیت خاورمیانه را شامل می شوند. ۱۴ کشور که حدود ۳۷۴/۳ میلیون نفر جمعیت که به میزان ۸۶/۷ درصد از جمعیت خاورمیانه را شامل می شوند دارای توسعه انسانی متوسط هستند. دو کشور عراق و یمن با ۴۶/۳ میلیون نفر جمعیت که ۱۱/۷۶ درصد از جمعیت خاورمیانه را در بر می گیرند در رده های آخر قرار گرفته اند (جدول ۲). میزان نابرابری بین کشورها ۰/۱۵۵ می باشد رقم مذکور نشان می دهد بین کشورهای خاورمیانه به لحاظ توسعه ی انسانی یک نوع همگرایی و تجانس وجود دارد. کشورهای مثل عربستان و ایران که به عنوان بزرگترین تولید کننده نفت و گاز دنیا محسوب می شوند آنچنان که باید و شاید نتوانسته اند جایگاه مناسبی را در بین کشورهای جهان و خاورمیانه به دست آورند. البته ریشه ی عدم توسعه ی انسانی در خور شایسته در این کشورها، از یک سو نتایج لاینفک نظام بی عدالتی و سلطه کشورهای استعمارگر بر منابع انرژی است. از سوی دیگر ناشی از نابرابری های منطقه ای و دو قطبی شدن جوامع این کشورها در سطح ملی است. به عنوان مثال بر اساس آمار سال ۲۰۰۴ بانک جهانی در کشور مصر سهم بیست درصد از طبقه مرفه ۴۳/۶ درصد از درآمد جامعه را دریافت می کرد در حالی که سهم بیست درصد از طبقه فقیر ۸/۶ درصد بوده است. در ایران میزان انباشتگی در آمد خانواده در بیست درصد طبقه مرفه از این هم بیشتر بوده است به طوری ۴۹/۹ درصد در دست طبقات مرفه و ۵/۱ درصد در دست بیست درصد فقیر جامعه بوده است. در واقع می توان گفت نابرابری های موجود در کشورهای جهان سومی خاورمیانه سهم به سزایی در عقب ماندگی و پایین بودن شاخص های توسعه ی انسانی داشته است. جدول ۲ نشان می دهد که کشور کوچک اردن که در شاخص های توسعه ی انسانی در رتبه ی دهم قرار دارد در شاخص های فقر انسانی و توانمندسازی زنان در رتبه های اول و دوم قرار دارد. این کشور علیرغم مساحت محدود و جمعیت اندک و نداشتن منابع غنی انرژی توانسته است شاخص های همچون امید به زندگی، تسهیلات، امکانات زندگی سالم و مناسب را برای ساکنان و شهروندان خود فراهم نماید و حضور فعال زنان را در عرصه های اجتماعی و اقتصادی تقویت نماید. کشور یمن در اکثر شاخص ها در قعر جدول قرار دارد. در حاشیه قرار گرفتن این کشور از بعد جهانی و پایین بودن درآمد سرانه و محرومیت از تسهیلات آموزشی از بعد ملی سبب محرومیت این کشور گردیده است. در بین کشورهای خاورمیانه واقع در قاره افریقا کشور لیبی از جایگاه مناسبی از لحاظ توسعه،

قرار دارد. درآمدهای حاصل از منابع نفتی این کشور و دسترسی مناسب به امکانات آموزشی و اجرای سیاست‌های مناسب فقر زدایی (ضریب جینی توزیع درآمد ۰/۲۸) از عوامل مهم بالا بودن شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در این کشور است. در بین کشورهای حوزه‌ی خلیج و صادرکننده نفت، کشور عراق با وجود داشتن منابع نفتی فراوان و درآمدهای بالای حاصل از نفت در سطح توسعه‌ی انسانی پایین قرار دارد. بحران‌های اخیر کشور عراق و درگیری‌ها و جنگ‌های داخلی و خارجی در طول چند دهه در این کشور، موجب شده درآمد حاصل از منابع نفتی این کشور که حدود ۴۶ درصد تولید ناخالص ملی است. صرف هزینه‌های نظامی و بازسازی مناطق تخریب شده از جنگ‌ها گردد. بی‌توجهی دولت عراق به رفاه اجتماعی شهروندان، سوء تغذیه کودکان و باروری بالای زنان، عدم مشارکت آنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی، بلند پروازی‌های دولت مردان رژیم بعث و وابستگی‌های آنها به دولت‌های غربی از مهمترین عوامل افزایش فقر و پایین بودن توسعه در کشور عراق می‌باشد.

کشور جمهوری اسلامی ایران از لحاظ شاخص توسعه انسانی در رتبه‌ی دوازدهم در بین کشورهای خاورمیانه قرار دارد. شاخص توسعه‌ی انسانی ایران ۰/۵۶ در سال ۱۹۷۵ میلادی به مقدار ۰/۷۲ در سال ۲۰۰۴ رسیده است (UNDP, 2004). در طول سه دهه اگر چه شاخص توسعه‌ی انسانی روند رو به رشدی داشته ولی با توجه به موقعیت مناسب استراتژیکی و تولید ۱۵ درصد نفت حوزه خلیج فارس و دومین تولیدکننده گاز جهان (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۲۵۲-۲۵۱) جایگاه مناسبی در عرصه توسعه‌ی انسانی به دست نیآورده است. خسارتهای حاصل از هشت سال جنگ تحمیلی و تحریم‌های اقتصادی غرب در سطح بین المللی و نابرابری‌های درون منطقه‌ای و توزیع ناعادلانه امکانات زندگی و فرصت‌های درآمدزایی بین مناطق (ضریب جینی توزیع درآمد ۰/۴۳) از مهمترین عوامل پایین بودن شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در ایران است. بعد از انقلاب اسلامی ایران، توجه به نقش زن در توسعه و توانمندسازی آنان در ابعاد مختلف توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی موجب شده ایران از لحاظ توانمندسازی زنان در رتبه‌ی هفتم در بین کشورهای خاورمیانه قرار گیرد (جدول ۲).

جدول ۲: شاخص توسعه‌ی فقر انسانی در کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۰۴

نام کشور	HPI	HDI	GDI	GEM	GI	دسترسی به آموزش	دسترسی به امید زندگی	دسترسی به درآمد
اردن	۷/۱	۰/۷۵	۰/۷۳۴	۰/۳۶۵	۰/۰۲۱	۰/۸۶	۰/۷۶	۰/۶۲
	رتبه ۱	۱۰	۱۰	۲	۹	۲	۱۲	۱۴
بحرین	۸/۳	۰/۸۴۳	۰/۸۳۳	۰/۳۹۵	۰/۰۱۳	۰/۸۵	۰/۸۱	۰/۸۶
	رتبه ۲	۱	۱	۱	۶	۴	۳	۳
فلسطین	۸/۹	۰/۷۲۸	۰/۷۳۷	۰/۳۴۱	۰/۰۰۱۳	۰/۸۶	۰/۷۹	۰/۵۲
	رتبه ۳	۱۳	۱۱	۳	۲	۳	۷	۱۸
لبنان	۹/۵	۰/۷۵۸	۰/۷۵۵	۰/۳۲	۰/۰۰۴	۰/۸۴	۰/۸۱	۰/۶۳
	رتبه ۴	۸	۴	۴	۳	۵	۴	۱۳
قطر	۱۱/۱	۰/۸۳۳	۰/۷۱۲	۰/۲۹۴	۰/۱۴۵	۰/۸۳	۰/۷۸	۰/۸۸
	رتبه ۵	۳	۱۳	۹	۲۰	۶	۱۱	۲
کویت	۱۱/۹	۰/۸۲۸	۰/۸۲۷	۰/۳۱۱	۰/۰۱۳	۰/۸۱	۰/۸۶	۰/۸۵
	رتبه ۶	۲	۲	۸	۵	۷	۱	۴
ترکیه	۱۲	۰/۷۵۱	۰/۷۴۶	۰/۲۹۰	۰/۰۰۶۷	۰/۸	۰/۷۶	۰/۶۹
	رتبه ۷	۹	۵	۱۰	۴	۸	۱۳	۱۰
سوریه	۱۳/۷	۰/۷۱۰	۰/۶۸۹	۰/۳۱۷	۰/۰۳	۰/۷۵	۰/۷۸	۰/۶۰
	رتبه ۸	۱۴	۱۴	۵	۱۴	۹	۱۰	۱۷

۰/۷۲	۰/۷۹	۰/۸۷	۰/۰۳۹	۰/۳۵۱	۰/۷۷۱	۰/۷۹۴	۱۵/۳	شاخص	لیبی
۷	۵	۱	۱۳	۶	۳	۵	۹	رتبه	
۰/۹	۰/۸۳	۰/۷۴	۰/۱	۰/۳۶۴	۰/۷۴۱	۰/۸۲۴	۱۵/۸	شاخص	امارات متحده عربی
۱	۲	۱۰	۱۹	۱۳	۶	۴	۱۰	رتبه	
۰/۸۱	۰/۷۹	۰/۷۱	۰/۰۳۸	۰/۳۲۷	۰/۷۳۹	۰/۷۶۸	۱۵/۸	شاخص	عربستان
۶	۶	۱۳	۱۵	۱۶	۷	۷	۱۱	رتبه	
۰/۷	۰/۷۹	۰/۷۴	۰/۰۲۳	۰/۳۱۳	۰/۷۱۳	۰/۷۳۳	۱۶/۴	شاخص	ایران
۸	۱۴	۱۱	۱۰	۷	۱۲	۱۲	۱۲	رتبه	



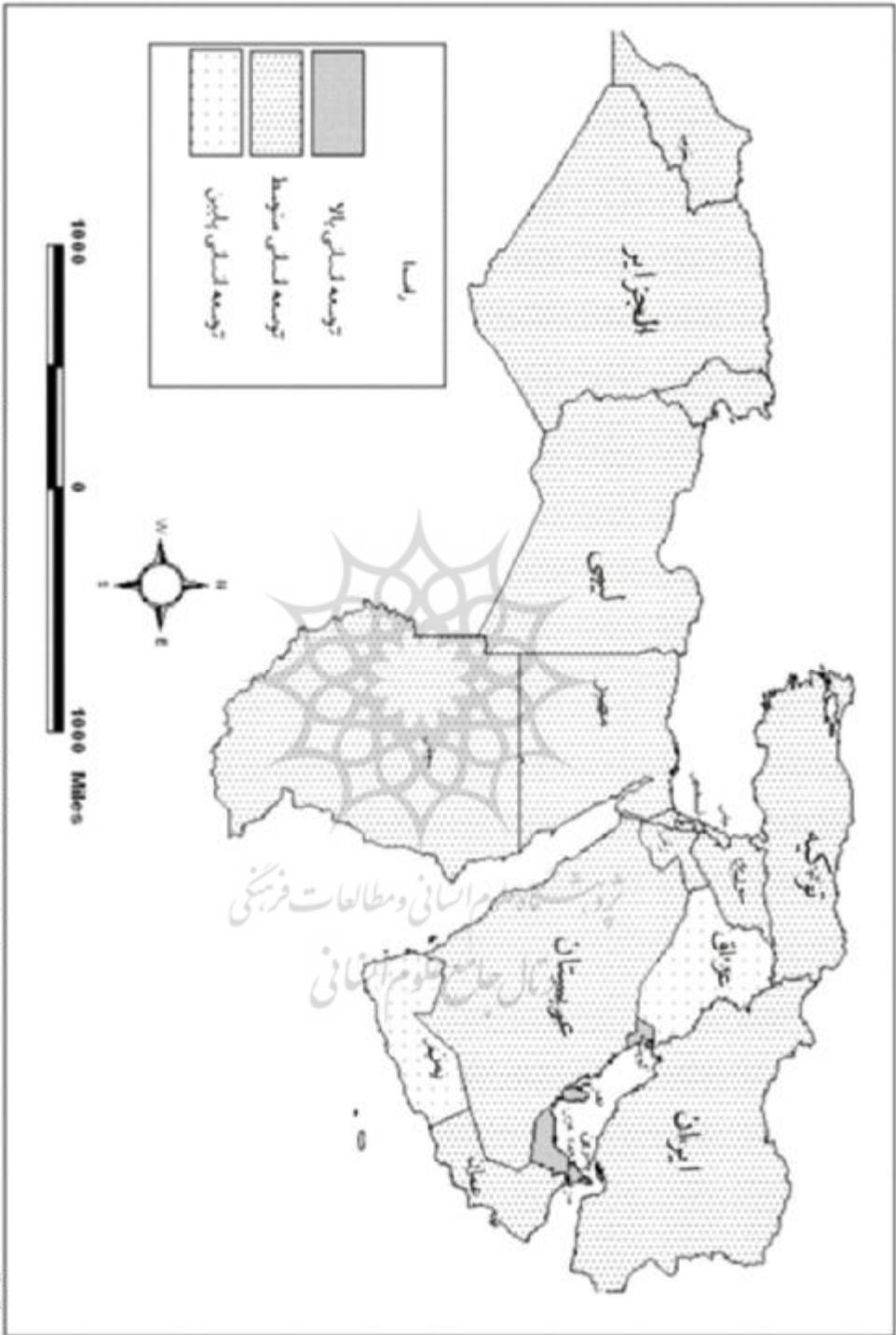
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ادامه جدول ۲: شاخص توسعه ی و فقر انسانی در کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۰۴

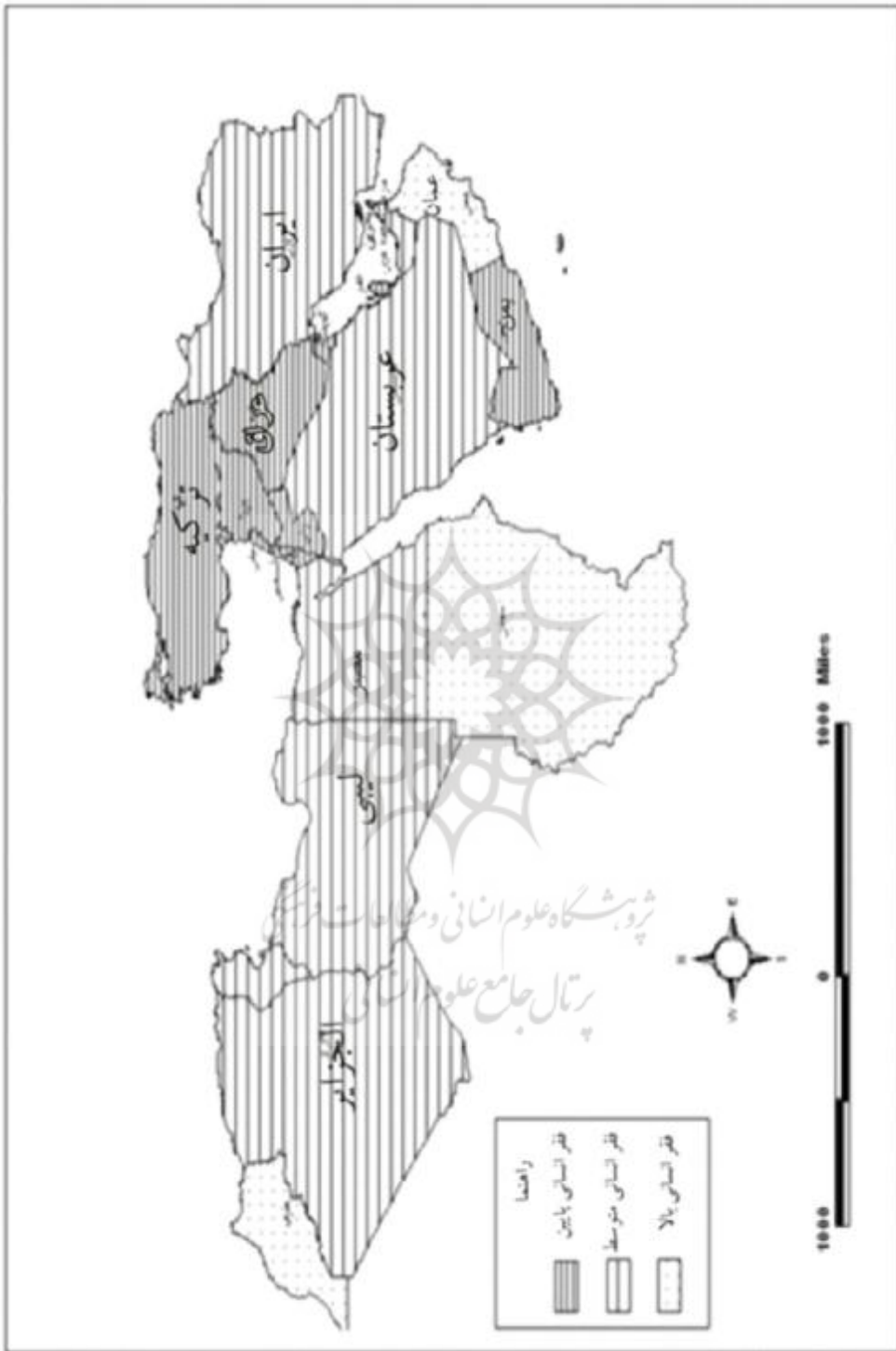
۰/۷	۰/۷۹	۰/۷۴	۰/۰۱۵	۰/۲۵۱	۰/۷۳۴	۰/۷۴۵	۱۹/۲	شاخص	تونس
۹	۸	۱۲	۷	۱۴	۹	۱۱	۱۳	رتبه	
۰/۶۸	۰/۷۴	۰/۶۹	۰/۰۲۳	۰/۲۷۱	۰/۶۸۸	۰/۷۰۴	۲۱/۲	شاخص	الجزایر
۱۱	۱۵	۱۵	۱۱	۱۱	۱۵	۱۵	۱۴	رتبه	
۰/۶۶	۰/۶۱	۰/۵۷	۰	۰/۱۱۲	۰/۵۷۰	۰/۴۹	۲۹/۸	شاخص	عراق
۱۲	۱۸	۱۷	۱	۲۰	۱۸	۱۹	۱۵	رتبه	
۰/۶۱	۰/۷۳	۰/۶۲	۰/۰۱۹	۰/۲۶۶	۰/۶۳۴	۰/۶۵۲	۲۰/۹	شاخص	مصر
۱۵	۱۶	۱۶	۸	۱۵	۱۶	۱۶	۱۶	رتبه	
۰/۸۲	۰/۷۹	۰/۷۱	۰/۰۴۳	۰/۲۷۱	۰/۷۳۷	۰/۷۷	۳۱/۵	شاخص	عمان
۵	۹	۱۴	۱۶	۱۲	۸	۱۶	۱۷	رتبه	
۰/۴۸	۰/۵۱	۰/۵۲	۰/۰۴	۰/۱۲۹	۰/۴۸۵	۰/۵۰۵	۳۲	شاخص	سودان
۱۹	۲۰	۱۹	۱۶	۱۸	۱۹	۱۸	۱۸	رتبه	
۰/۶۱	۰/۷۲	۰/۵۳	۰/۰۲۳	۰/۲۱۲	۰/۶۰۴	۰/۶۲۰	۳۴/۵	شاخص	مراکش
۱۶	۱۷	۱۸	۱۲	۱۷	۱۷	۱۷	۱۹	رتبه	
۰/۳۶	۰/۵۸	۰/۵	۰/۰۹۵	۰/۱۲۳	۰/۴۳۶	۰/۴۸۳	۴۰/۳	شاخص	یمن
۲۰	۱۹	۲۰	۱۸	۱۹	۲۰	۲۰	۲۰	رتبه	

منبع: نگارندگان بر اساس اطلاعات آماری سازمان ملل متحد (۲۰۰۴).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نقشه ۱: توزیع فضایی کشورهای حاور میانه از نظر توسعه انسانی



منبع: گلرنگان

نقشه ۲: توزیع فضایی کشورهای خاورمیانه از نظر شاخص فقر انسانی

۳- پراکندگی رتبه شاخص های توسعه انسانی در کشورهای خاورمیانه
یکی از موضوعات مهم در بررسی شاخص های توسعه ی، بررسی چگونگی تأثیر گذاری مؤلفه های مربوطه روی آن است. به عبارت دیگر چه عواملی در پراکندگی شاخص های توسعه ی مؤثر بوده اند (عباسی نژاد و رفیعی امام، ۱۳۸۵ : ۴۸). بر طبق جدول (۲) که رتبه ی هر کشور را در شاخص امید به زندگی، آموزش، درآمد، GDI، GEM، GI، HPI نشان می دهد، می توان میزان وابستگی شاخص توسعه ی انسانی را به هر یک از شاخص ها از طریق آزمون علامت (کلانتری، ۱۳۸۲: ۱۴۴-۱۴۱) به دست آورد. اختلاف مثبت به این معنی است که رتبه ی شاخص توسعه ی انسانی بالاتر از شاخص های دیگر است. برعکس تفاوت منفی به آن معنی است که رتبه ی شاخص توسعه ی انسانی کمتر از شاخص های دیگر است. پس در حالت اول شاخص فرعی نقش بازدارنده در افزایش شاخص توسعه ی انسانی دارد و برعکس. با توجه به شاخص های محاسبه شده در سال ۲۰۰۴، اختلاف شاخص امید به زندگی با شاخص توسعه ی انسانی بین (+۷ و -۹) است. اختلاف رتبه شاخص آموزش با شاخص توسعه ی انسانی بین (+۹ و -۸) قرار دارد. به همین ترتیب اختلاف رتبه ی شاخص درآمد سرانه با شاخص توسعه ی انسانی بین (+۹ و -۱) است. یعنی در سال ۲۰۰۴ در کشورهای خاورمیانه شاخص آموزش نقش اصلی را در تعیین رتبه ی شاخص توسعه ی انسانی دارد. اختلاف بین شاخص توسعه ی انسانی با شاخص های HPI، GDI، GEM، GI به ترتیب (+۹ و -۷)، (+۴ و -۶) و (+۹ و -۸) و (+۷ و -۱۲) می باشد. در واقع اختلاف بین شاخص GEM، HDI کمتر از سه شاخص دیگر است. می توان این گونه بیان کرد که ارتقای توانمندیهای زنان می تواند نقش اساسی و قوی در ارتباط با توسعه ی انسانی داشته باشد.

ترتیب توجه در هر کشور به هر یک از مؤلفه های مورد بررسی مستلزم در نظر گرفتن رتبه ی کشور در هر شاخص و مقدار عددی آن است. بنابراین کشورهاییکه در هر یک از مؤلفه ها در رتبه ی پایینی قرار دارند لزوم توجه به شاخص های آن مؤلفه ها در اولویت برنامه ریزی برای بهبود آن شاخص قرار دارد. به عنوان مثال در کشورهای یمن، سودان، فلسطین، سوریه و مراکش توجه به شاخص های درآمد، امید به زندگی و آموزش، اولویت دارد، در کشور ایران توجه به مسایل بهداشتی و ارتقای امید به زندگی بیشتر از آموزش اولویت دارد و توجه به آموزش بیشتر از توجه به درآمد سرانه، احساس می شود.

۴- شاخص های توسعه و فقر انسانی و نابرابری جنسیتی
برای ارزیابی رابطه ی مقطعی بین شاخص های توسعه ی انسانی و فقر انسانی و نابرابری جنسیتی از مدل رگرسیون خطی و غیر خطی (یعنی وجود رابطه ی و وارونه بین متغیر مستقل و وابسته) در نرم افزار رایانه SPSS استفاده شده است. برای انجام این کار یک بار شاخص های توسعه ی انسانی و یک بار شاخص های فقر انسانی به عنوان متغیرهای مستقل با GDI، GI به عنوان متغیرهای تابع بررسی شده است. برای آزمون خطی بین متغیرها از رابطه (۱) و برای آزمون وجود رابطه ی و وارونه بین متغیرهای از معادله (۲) استفاده شده است.

$$y = \beta_0 + \beta_1(x) \quad (1)$$

$$y = \beta_0 + \beta_1(x) + \beta_2(x^2) \quad (2)$$

متغیرهای وابسته GDI، GI و متغیرهای مستقل شاخص آموزشی (E)، شاخص امید به زندگی (L) و شاخص درآمد سرانه (I) برای توسعه ی انسانی و شاخص احتمال مرگ و میر تا سن ۴۰ سالگی (P1)، شاخص درصد بی سواد بزرگسالان (P2) و شاخص محرومیت از تسهیلات زندگی (P3) برای فقر انسانی هستند.

الف: شاخص های توسعه ی انسانی و نابرابری های جنسیتی

یافته های تحقیق نمایانگر يك رابطه ي نزديك بين GDI و شاخص هاي دسترسي به درآمد، آموزش و امید به زندگي با همبستگی هاي به ترتیب ۰/۷۵ و ۰/۸۸ و ۰/۶۰۶ مي باشد. این بدان معني است، که با افزایش درآمد، آموزش و امید به زندگي در نهایت توسعه ي انساني موقعیت زنان افزایش مي يابد. نتایج مدلهاي مقطعي خطي و غيرخطي موقعیت زنان در معادلات زیر نمایان است. داده ها در سال ۲۰۰۴ در کشورهای خاورميانه از مدل غير خطي حمايت مي کند. و ضرایب تماماً معني دار مي باشد. R2 تعديل شده براي مدلهاي غير خطي ۰/۸۴ و ۰/۷۲ و ۰/۶ است و مقدار آنها نسبت به مدل خطي افزایش یافته است. به عبارت دیگر داده ها حمايت از وجود منحنی U وارونه بين موقعیت زنان و شاخص هاي توسعه ي انساني دارد.

مقایسه ي مدل خطي ۳ و غيرخطي ۴، وجود يك رابطه ي غير خطي بالاي را بين GDI و امید به زندگي نشان مي دهد. يعني رتبه ي امید به زندگي در برخي از کشورها بالاتر از رتبه ي GDI مي باشد

مدلهای مربوط به شاخص GDI و توسعه ي انساني عبارتند از:

$yE1 = 0/155 + 0/741X$	$R2 = 0/76$	$N = 20$
$yE2 = -0/95 + 4/048X - 2/395X^2$	$R2 = 0/84$	$N = 20$
$yL1 = 0/316 + 0/518X$	$R2 = 0/33$	$N = 20$
$yL2 = 1/37 - 2/16X + 45/99X^2$	$R2 = 0/72$	$N = 20$
$yI1 = 0/322 + 0/541X$	$0/527$	$N = 20$
	$R2 =$	
$yI2 = -0/71 + 2/105X - 1/18X^2$	$R2 = 0/6$	$N = 20$

رابطه ي بين GI (نابرابري جنسیتی) و شاخص هاي توسعه ي انساني نشان مي دهد که رابطه ي بين GI و دسترسي به آموزش داراي همبستگی ۰/۱۲۲- است، يعني با افزایش آموزش نابرابري هاي جنسیتی در کشورهای خاورميانه کاهش مي يابد. اما در زمينه ي دسترسي به درآمد همبستگی مثبت بوده، يعني با افزایش دسترسي به درآمد نابرابري بين زنان و مردان افزایش نشان مي دهد. مدلهاي مقطعي خطي و غير خطي مورد بررسی شده است. در مدلهاي ۱ و ۲ ضرایب خطي و غير خطي منفي بوده و R2 نشان مي دهد که ضرایب معني دار نمي باشد. يعني افزایش دسترسي به آموزش نابرابري هاي جنسیتی را افزایش نداده است. در معادله غير خطي مدل ۶ ضرایب معني دار مي باشند که نشان مي دهد که در کشورهای خاورميانه دسترسي به درآمد نابرابري بين زنان و مردان را افزایش داده است. مدلهاي مربوط به شاخص هاي GI و توسعه انساني عبارتند از:

$yE1 = 0/614 - 0/3076X$	$R2 = 0/0398$	$N = 20$
$yE2 = 0/129 - 0/24X + 0/147X^2$	$R2 = 0/098$	$N = 20$
$yL1 = 0/027 + 0/0092X$	$R2 = 0/054$	$N = 20$
$yL2 = -0/020 + 0/168X - 0/126X^2$	$R2 = -0/112$	$N = 20$
$yI1 = -0/00148 + 0/052X$	$R2 = 0/014$	$N = 20$
$yI2 = 0/187 + 0/00019X - 1/192X^2$	$R2 = 0/514$	$N = 20$

ب: شاخص هاي فقر انساني و نابرابري جنسیتی

یافته های تحقیق نمایانگر وجود همبستگی منفي قوي بين GDI و شاخص هاي فقر انساني در سال ۲۰۰۴ در کشورهای خاورميانه است. این همبستگی به ترتیب براي P1 (۰/۸۹۴-)، P2 (۰/۳۹۲) و P3 (۰/۷۰۱-) است.

ضرایب نشان مي دهد که با کاهش احتمال مرگ و مير تا سن ۴۰ سالگي، درصد بزرگسالان بي سواد و درصد جمعیت محروم از تسهیلات بر موقعیت زنان و فعالیت و نقش آنان در عرصه هاي اجتماعي - اقتصادي افزوده مي شود. به عبارت دیگر در کشورهايي که شاخص فقر انسان پايين هستند زنان نقش تعيين کننده اي را در توسعه و پیشرفت هاي مختلف دارند. نتایج مدلهاي خطي و غير خطي GDI نشان مي دهد در مدلهاي غير خطي R2 به ترتیب

۰/۸۶۴ ، ۰/۶۹۷ و ۰/۵۰۲ بوده است که نسبت به مدل‌های خطی افزایش دارد. لذا مدل غیر خطی توجیه بهتری برای رابطه بین GDI و شاخص‌های فقر ارائه می‌دهد. ضرایب به دست آمده تماماً معنی‌دار هستند و حمایت از جود یک رابطه U و روانه بین موقعیت زنان و شاخص دسترسی به فقر انسانی ارائه می‌دهد. یعنی دسترسی به شاخص‌های فقر اثر مثبت به شاخص GDI دارند ولی به مرور زمان این تأثیر سیر نزولی دارد. مدل‌های مربوط به شاخص‌های GD و فقر انسانی عبارتند از:

$Y_{P1} = 0/813 - 0/0143X$	$R^2 = 0/8$	$N = 20$
$Y_{P1} = 0/88 - 0/0290X + 0/0004X^2$	$R^2 = 0/864$	$N = 20$
$Y_{P2} = 0/765 - 0/0023X$	$R^2 = 0/154$	$N = 20$
$Y_{P2} = 0/2507 + 0/0705X - 0/0029X^2$	$R^2 = 0/697$	$N = 20$
$Y_{P3} = 0/796 - 0/0082X$	$R^2 = 0/491$	$N = 20$
$Y_{P3} = 0/813 + 0/0150X + 0/0006X^2$	$R^2 = 0/502$	$N = 20$

بررسی رابطه‌ی مقطعی بین اجزای تشکیل دهنده‌ی شاخص‌های فقر انسانی و GI (نابرابری جنسیتی) نشان می‌دهد که بین احتمال مرگ و میر تا سن چهل سالگی و نابرابری جنسیتی رابطه‌ی معنی‌دار آن چندانی دیده نمی‌شود. ولی با افزایش درصد بزرگسالان بی‌سواد نابرابری جنسیتی کاهش می‌یابد و همچنین با افزایش درصد جمعیت محروم از تسهیلات زندگی نابرابری جنسیتی با ضریب همبستگی (۰/۱۰۹) معنی‌دار بوده است که نشان می‌دهد در کشورهای که محرومیت از تسهیلات زندگی بیشتر است نابرابری بین زنان و مردان افزایش می‌یابد. بررسی معادله‌های خطی و غیرخطی در جدول (۶) نمایانگر وجود رابطه‌ی خیلی ضعیف بین شاخص‌های فقر انسانی با GI می‌باشد. تمامی این ضرایب کوچکتر از ضرایب شاخص‌های فقر انسانی و GDI هستند که نشان دهنده این است که شاخص‌های فقر انسانی بر موقعیت زنان اثر بیشتری نسبت به نابرابری زنان دارند.

مدل‌های مربوط به شاخص GI و فقر انسانی عبارتند از:

$Y_{P1} = 0/0315 + 0/0002X$	$R^2 = 0/002$	$N = 20$
$Y_{P1} = 0/077 - 0/0123X + 0/001X^2$	$R^2 = 0/042$	$N = 20$
$Y_{P2} = 0/0455 - 0/0005X$	$R^2 = 0/029$	$N = 20$
$Y_{P2} = 0/0488 + 0/0015X - 0/00006X^2$	$R^2 = 0/022$	$N = 20$
$Y_{P3} = 0/0282 + 0/0005X$	$R^2 = 0/012$	$N = 20$
$Y_{P3} = 0/0578 - 0/0108X + 0/0005X^2$	$R^2 = 0/297$	$N = 20$

نتیجه گیری

در این پژوهش، ارزیابی شاخص های توسعه ی انسانی، فقر انسانی و اثرات آنها بر نابرابری جنسیتی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برابر بررسی های صورت گرفته چهار کشور بحرین، کویت، قطر و امارات متحده عربی در توسعه ی انسانی بالا و کشورهای لیبی، عمان، عربستان، لبنان، ترکیه، اردن، تونس، ایران، فلسطین، سوریه، الجزایر، مصر، مراکش و سودان در سطح توسعه ی انسانی متوسط و دو کشور عراق و یمن در سطح توسعه ی انسانی پایین قرار دارند.

جدول ۳: طبقه بندی کشورهای خاورمیانه بر اساس شاخص های توسعه انسانی

ردیف	نام کشورها	سطح توسعه اقتصادی
۱	بحرین، کویت، قطر و امارات متحده عربی	توسعه انسانی بالا ($HDI \geq 0.8$)
۲	لیبی، عمان، عربستان، لبنان، ترکیه، اردن، تونس، ایران، فلسطین، سوریه، الجزایر، مصر، مراکش، سودان	توسعه انسانی متوسط ($HDI \geq 0.5$) (۰/۷۹۹)
۳	عراق، یمن	توسعه انسانی پایین ($HDI < 0$) (۰/۴۹۹)

از لحاظ شاخص های فقر انسانی کشور اردن به عنوان توسعه یافته ترین کشور و یمن به عنوان محروم ترین کشور شناخته شد. شاخص آموزش در این کشورها بیشترین تأثیر را در توسعه ی انسانی داشته است. بعد از شاخص آموزش، شاخص امید به زندگی نقش اساسی را ایفا نموده است. در بررسی علل و عوامل مؤثر بر توسعه انسانی مشخص شد که سلطه ی کشورهای استعماری و غرب از بعد نظام بین المللی و نابرابری درون منطقه ای و بالا بودن باروری زنان و توزیع نابرابر ثروت و امکانات در سطح ملی از عوامل اصلی عقب ماندگی کشورهای خاورمیانه می باشد. در ارتباط با نابرابری جنسیتی، کشورهای در سطح توسعه ی انسانی بالا قرار داشته اند که زنان از موقعیت بالایی برخوردار بوده اند. البته این رابطه ی به صورت منحنی ل و وارونه بوده که در مرحله سیر صعودی و در مرحله بعد سیر نزولی را نشان می دهد. در اکثر کشورهای خاورمیانه دسترسی به درآمد باعث نابرابری بین زنان و مردان شده است. در حالی دسترسی به آموزش و امید به زندگی از نابرابری بین زنان و مردان کاسته است. در مجموع می توان گفت مشارکت زنان در عرصه های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی می تواند به عنوان یکی از شاخص های کلیدی توسعه انسانی محسوب گردد.

منابع و مأخذ

- افشاري، زهرا و ايمان شيباني (۱۳۸۳)؛ «بررسي اثر فناوري اطلاعات بر نابرابري جنسيتي»، مجله تحقيقات اقتصادي، شماره ۶۶، دانشگاه تهران.
- ازکيا، مصطفي (۱۳۷۷)؛ جامعه شناسي توسعه، تهران، انتشارات نشر کلمه.
- براهمن، جان (۱۳۸۱)؛ توسعه مردم گرا، مترجمين: عبدالرضا رکن الدين افشاري و مرتضي توکلي، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگاني، موسسه مطالعات و پژوهش هاي بازرگاني.
- پورمحمدی، محمد رضا و نادرزالي، (۱۳۸۳)؛ «توسعه ي انساني، چالش و چشم اندازها (با نگاهی تحلیلي به شاخص هاي توسعه ي انساني در ايران)»، مجله علوم انساني و اجتماعي دانشگاه تبریز، سال دهم، شماره ۱۵، ویژه نامه ي جغرافيا، تبریز.
- حافظ نيا، محمد رضا (۱۳۸۴)؛ خليج فارس و نقش استراتژيک تنگه ي هرمز، تهران، سمت.
- حياتي، علي (۱۳۷۵)، «نگاهي به گزارش توسعه انساني برنامه عمران ملل متحد ۱۹۹۶، رشد بر توسعه ي انساني»، بولتن بين المللي، شماره ۱۲.
- رحيم پور، علي (۱۳۸۱)، «تحولات ژئو استراتژيک در سده بيست و یکم و جایگاه منطقه و ايران»، مجله اطلاعات سياسي - اقتصادي، شماره هاي ۱۸۴-۱۸۳.
- ساعي، احمد (۱۳۷۷)، مسايل سياسي و اقتصادي جهان سوم، تهران، سمت.
- عباسي نژاد، حسين و علينقي رفيعي امام (۱۳۸۵)، «ارزيابي شاخص توسعه ي انساني در مناطق روستايي ايران»، مجله ي تحقيقات اقتصادي، شماره ۷۲، دانشگاه تهران.
- فکوهي، ناصر (۱۳۷۹)، از فرهنگ تا توسعه، تهران، انتشارات فردوس.
- کلانتري، خليل (۱۳۸۲)، پردازش و تحليل داده ها در تحقيقات اجتماعي و اقتصادي، تهران، نشر شريف.
- کریم کشته، محمدحسين و غلامرضا زمانيان (۱۳۸۳)، «بررسي شاخص توسعه ي انساني در استان سيستان و بلوچستان (۱۳۶۸-۱۳۷۹)»، مجله ي جغرافيا و توسعه، شماره ۴، دانشگاه سيستان و بلوچستان.
- نراقي، يوسف (۱۳۷۵)، توسعه و کشورهای توسعه نیافته، تهران، شرکت سهامی انتشار.

- Acharya , Sanjaya (2004) , Measuring and Analyzing Poverty (With a Particular Reference to the Case of Nepal), the European Journal of Comparative Economics , VoL.1, N. 2, PP195-215.
- Sose A & etal (2000), Gender Difference in Labor Market Decisions : Evidence From Rural Mexico, Economic Development and Cultural Change , N. 48, PP , 619—636.
- UNDP (1997), Human Development Report , New York.
- UNDP (2000), Human Development Report , New York.
- UNDP (2004), Human Development Report , New York.
- World Bank (2004) , World Development Indicators , world Bank , Washington DC.
- WWW. Mideast Web. Org